

۱۰۵۲۲

دانشگاه آزاد اسلامی

واحد نجف آباد

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه تحصیلی

دوره فوق لیسانس (کارشناسی ارشد)

رشته: معارف اسلامی (گرایش فلسفه و کلام اسلامی)

موضوع:

فلسفه هنر

از دیدگاه معارف اسلامی

استاد راهنما: جناب آقای دکتر حاج سید مهدی دهباشی

استاد مشاور: جناب آقای دکتر سید احمد تویسرکانی

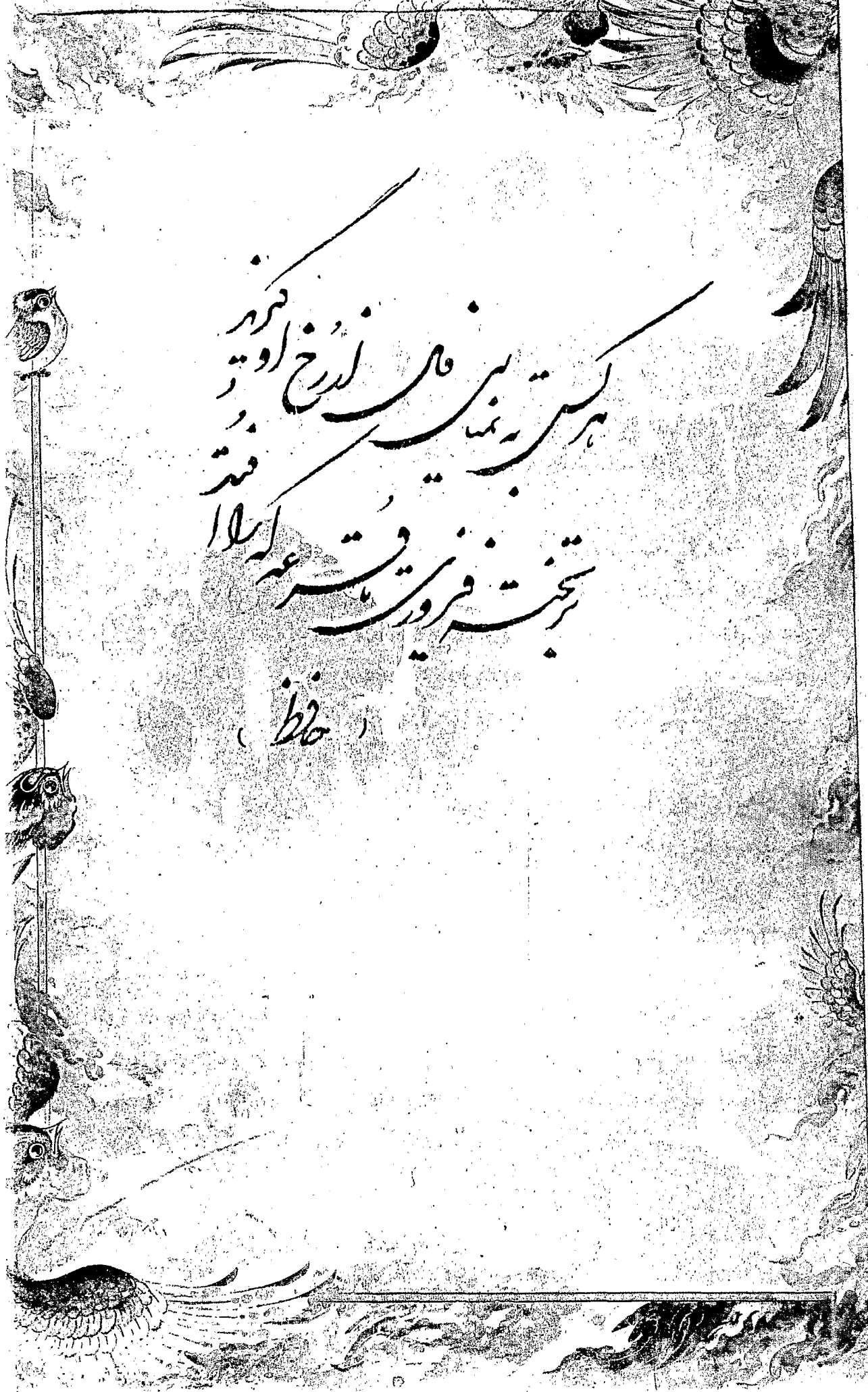
مؤلف: احمد رضا بسیج

سال ۲۵

۱۰۵۴۶۴

هرگز نماند  
در رخ او تر  
مهر  
بجز آنکه هر روز  
بیاورد  
علا

(حفظ)



به نام خدا

سپاس نامه:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْأَكْرَمِ الَّذِي عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ.

سپاس و حمد بی حد خدای سبحان را که توفیق بهره‌مندی از مکتب انسان ساز و سعادت آفرین اسلام را در پرتو نور حضرت محمد (ص) و ولایت علی بن ابی طالب (ع) به ما ارزانی داشت و منت خویش را اینک در نظام مقدس جمهوری اسلامی که شجره طیبه خون هزاران شهید پاک نهاد و والامقام است، تحت ولایت صاحب الامر مهدی موعود (عج) و رهبری بزرگ فرزند و پیروش حضرت امام خمینی (ره) و نیز حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (ادام الله ظلّه العالی) بر ما افزون نمود.

بزرگتر آرزوی ما این است که بارالها، ما را در پیشگاه ربوبی خود و این بزرگان و شهدای راه یافته، سرافکنده مفرما و قلمی را که در دست ما به امانت است، جز در راه پاسداری از ارزشهای اسلامی انسانی، رهبری و هدایت منما.

وظیفه خود می‌دانم، از صمیم دل، تشکر قلبی و سپاس وافر خود را به پاس علم و عملی که فرا گرفته‌ام از جناب آقای دکتر سید مهدی دهباشی استاد و معلم گرانقدر اخلاق و فلسفه و نیز استاد راهنمای این رساله، و جناب آقای دکتر سید احمد تویسرکانی استاد ارجمند و معلم فلسفه و استاد مشاور این رساله و جناب آقای دکتر مؤمنی ریاست محترم دانشکده ادبیات، و همچنین تمامی اساتید ارجمندی که به هرنحوی در محضراتشان مستفید گردیده‌ام، اقرار و اعلام نمایم. امید آنکه آنچه بهره برده‌ام، جز در راه خیر و صلاح و پاسداری از ارزشهای اسلام و انقلاب به کار نرود. ان شاء الله....

وما منّا توفیقی الا بالله

احمد رضا بسیج

زمستان - ۷۵

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	مقدمه
۱۲	فصل اول: هنر چیست؟ (بررسی مقدماتی)
۱۳	۱- معنی هنر
۲۳	۲- منشأ هنر
۲۶	۳- ماهیت هنر
۲۸	۴- هدف هنر
۳۵	۵- هنر حقیقی و غیر حقیقی
۴۴	۶- زیبایی در هنر
۴۸	۷- نتیجه
۵۱	فصل دوم: شناخت انسان
۵۲	۱- ضرورت شناخت انسان
۶۳	۲- انسان در آئینه آیات قرآن
۷۲	۳- فطرت اول و فطرت ثانی
۸۴	۴- مراتب موجودات جهان
۸۸	۵- مراتب وجودی انسان

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	مقدمه
۱۲	فصل اول: هنر چیست؟ (بررسی مقدماتی)
۱۳	۱- معنی هنر
۲۳	۲- منشاء هنر
۲۶	۳- ماهیت هنر
۲۸	۴- هدف هنر
۳۵	۵- هنر حقیقی و غیر حقیقی
۴۴	۶- زیبایی در هنر
۴۸	۷- نتیجه
۵۱	فصل دوم: شناخت انسان
۵۲	۱- ضرورت شناخت انسان
۶۳	۲- انسان در آئینه آیات قرآن
۷۲	۳- فطرت اول و فطرت ثانی
۸۴	۴- مراتب موجودات جهان
۸۸	۵- مراتب وجودی انسان

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹۳	۶- عوالم یا مراتب وجودی جهان
۹۷	۷- نسبت هنر با نفس
۱۰۶	<b>فصل سوم: زیبایی شناسی</b>
۱۰۷	۱- زیبایی چیست؟
۱۱۲	۲- ارتباط زیبایی با کیفیات نفسانی
۱۱۲	الف - زیبایی و لذت
۱۱۶	ب - زیبایی و رضایت
۱۱۶	ج - زیبایی و ارزش
۱۱۷	د - زیبایی و تعجب
۱۱۸	ه - زیبایی و سرور و غم
۱۲۲	۳- زیبایی مستقل از ما و زیبایی وابسته به ما
۱۲۷	۴- فطری بودن شناخت زیبایی
۱۲۸	الف: فطریات در ناحیه شناختها
۱۲۸	ب: فطریات در ناحیه گرایشها
۱۲۸	○ حقیقت جوئی
۱۲۹	○ گرایش به خیر و فضیلت
۱۲۹	○ گرایش به عشق و پرستش
۱۲۹	○ گرایش به خلاقیت و ابداع
۱۳۰	○ گرایش به جمال و زیبایی
۱۳۲	۵- انواع زیبایی: زیبایی محسوس و زیبایی معقول
۱۳۳	○ تفاوت زیبایی های محسوس و زیبایی های معقول

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۳۵	۶- آیات مربوط به زیبایی
۱۳۵	الف - زیبایی های محسوس
۱۳۷	ب - زیبایی های معقول
۱۳۹	۷- روایات مربوط به زیبایی
۱۳۹	الف - زیبایی های محسوس
۱۴۰	ب - زیبایی های معقول
۱۴۴	۸- عالی ترین زیبایی
۱۴۷	○ درک و دریافت زیبایی ها مستلزم بهره مندی از زیبایی درونی است
۱۵۰	۹- بالاترین و اصیل ترین زیبایی حق تعالی است
۱۵۶	۱۰- برخی از روایات و ادعیه ای که زیبایی را به خداوند سبحان نسبت می دهند
۱۵۸	۱۱- نسبت زیبایی با خیر و کمال
۱۶۶	۱۲- بررسی نهائی
۱۷۱	<b>فصل چهارم: حقیقت در ساحت هنر</b>
۱۷۲	۱- واقعیت هنر
۱۸۱	۲- علل اربعه هنر
۱۸۱	الف - علت مادی
۱۸۳	ب - علت فاعلی
۱۸۷	ج - علت صوری
۱۸۹	د - علت غائی
۱۹۳	۳- زبان هنر
۱۹۹	۴- ابداع در هنر



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲۰۵	۵- نسبت بین هنر و عرفان و فلسفه
۲۱۰	۶- دین و هنر
۲۲۳	۷- هنر قدسی و غیرقدسی
۲۳۵	<b>فصل پنجم: بررسی صور هنری</b>
۲۳۶	۱- شعر و قصه
۲۵۵	۲- موسیقی
۲۶۸	۳- خوشنویسی
۲۷۴	۴- معماری
۲۸۴	۵- مجسمه سازی
۲۹۱	۶- نقاشی
۳۰۶	۷- تئاتر و سینما
۳۱۴	○ سخن آخر
۳۱۶	○ غزلی از مؤلف
۳۱۷	<b>فهرستها</b>
۳۱۸	۱- فهرست آیات
۳۲۲	۲- فهرست روایات و ادعیه
۳۲۶	۳- فهرست ابیات
۳۳۷	۴- فهرست برخی لغات و اصطلاحات
۳۳۸	۵- فهرست منابع

## هو الجمیل

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ نَاصِبٍ لِيُؤَاءِ الْحَمْدَ، وَصَاحِبِ الْمَقَامِ الْمَحْمُودِ، وَعَلَى آلِهِ وَاصْحَابِهِ الْفَائِزِينَ  
بِبَدَلِ الْمُتَجَهِّزِ دَلِيلِ الْمَقْصُودِ وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا.»

إِلَهِي إِلَهِي خَلِّصْنَا عَنِ الْاِسْتِغَالِ بِالْمَلَاهِي وَأَرِنَا حَقَائِقَ الْاَشْيَاءِ

غشاوه غفلت از بصر بصیرت ما بگشای، و هر چیز را چنان که هست به ما بنمای، نیستی را بر ما،  
در صورت هستی جلوه بده، از نیستی بر جمال هستی پرده منه، این صور خیالی را آئینه تجلیات جمال  
خودگردان، نه علت حجاب و دوری و این نقوش و همی را سرمایه دانائی و بینائی ما گردان، نه آلت  
جهالت و کوری. و محرومی و مهنجوری ما، همه از ماست. ما را به ما مگذار. ما را از ما، رهائی کرامت کن،  
و با خود آشنائی ارزانی دار.»<sup>(۱)</sup>

در روی پیزی رخسان چو در می نگرم جز روی تو می نیاید اندر نظرم  
هر لحظه ز هر پری زُحی، حُسن رخت بردیده کند جلوه، به وجهی دگرم<sup>(۲)</sup>  
بعد الحمد و الصلوة:

براستی یکی از دشوارترین مسائل فلسفه، مسئله هنر و تبیین عقلانی و نظری آن است. چرا که به  
خاطر عملی بودن آن، نظریات و آراء بسیار متفاوت و گاه متخالفی در این باره بیان شده است، که تلفیق و  
تألیف آنها و شناخت صواب از خطا کاری بس صعب و دشوار است.

۱ جامی. عبدالرحمن. لوائح ضمیمه کتاب رساله تشویق السالکین. ملا محمد تقی مجلسی ص ۴۰

۲- شمس مغربی. هفت شهر عشق شامل هفت دیوان کامل. ص ۱۲۱

هنر دریائی است که آنرا هیچش کرانه نیست و هر قدر بیشتر در آن تعمق کنی، افزونتر از پیش غرق آن می شوی و بر حیرانی و سزگردانیت افزوده می شود. و وای بر آنکس که فن شریف شنا کردن را ندانسته باشد.

ای حسن تو در کل مظاهر، ظاهر وی چشم تو در کل مناظر، ناظر از نور رخ و ظلمت زلفت دایم قومی همه مؤمنند و قومی کافر<sup>(۱)</sup> یکی از ویژگیهای انسان که او را از سایر موجودات ممتاز می کند، تشخیص ظرافت و نظم و اعتدال و احساس حسن و جمال است. بدین جهت است که مناظر زیبای طبیعت و نظام آفرینش و صفحات جالب و دواوین و لوحه های دل انگیز شعر و نقاشی و خط که از دست سحر آفرین استادان چیره دست، ظهور یافته، او را مجذوب و مشعوف ساخته و نظرش را به سمت خود معطوف می دارد. جمال و زیبایی و کمال و رهیافت در محضر نقاش و قلم ساز و صحنه پرداز و معمار و مبدع جمیله هستی است که منشأ هنرهای زیباست. علاقه به زیبایی که فطری آدمی است، ذوق را می شکوفاند تا هر آنچه نشانی از زیبایی و جمال دارد و دفتری از معرفت کردگار همراه، او را ملهم کند و ذوق هنرمند آنرا با اندیشه های عمیق و دقیق خود در آمیخته، به صورت اثر و هنر در منظرو مرآی باهوشان و سرمستان می ناب هستی که معرفت تام و تمام است قرار دهد.

جمال شاهد مقصود چشم بر راه است بکوش و پاک کن آئینه از غبار اینجا<sup>(۲)</sup> « هنر همچون متوله عشق است که رفتن در وادی آن و تحقیق پیرامونش ابتدا سهل می نماید؛ اما وقتی دستی بز آن گرفتی حرارتش وجود را می سوزاند و تنها آنان که صابرند و به پایمردی ثابت و جانشان مجذوب معشوق ازلی تا شهر حق یقین پیش می رانند:

الا یا ایها الساقی ادر کأساً و ناولها که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکلها<sup>(۳)</sup> ولی آنکس که مجذوب تن است و گرفتار حفظ حیات جسمانی خویش و پایبند عالم شهادت، به

۱- شمس مغربی. دیوان کامل ص ۱۲۱

۲- صائب تبریزی. کلیات صائب. مقدمه و شرح حال به قلم امیری فیروزکوهی. ص ۸۰

۳- حافظ. دیوان حافظ بر اساس نسخه قدسی. مقدمه و تحقیق از عزیزا... کاسب. نظر به اینکه در این نوشتار اشعار زیادی از خواجه حافظ نقل شده است لذا به خاطر کثرت، از ذکر پاورقی خوداری شده است.

عین الیقین که نمی‌رسد هیچ، پایش در راه علم الیقین نیز، آبله دار می‌گردد و چه بسا به بیراهه برود:

دل درون سینه و ما رو به صحرا می‌رویم کعبه مقصد کجا و ما کجاها می‌رویم<sup>(۱)</sup>  
عشق از اثر زیبایی معشوق است که در هر کوی و برزن جلوه می‌فروشد و آتش بر جان عاشق  
می‌زند:

اندر غم عشق آن دلارام یک لحظه ندارد این دل آرام<sup>(۲)</sup>  
و هنر نیز اثر زیبایی جمیل علی الاطلاق است که شعرة آفاق گشته و انگشت‌نمای خلق. کوشش  
هنرمند در جهت ناز و عشوه‌ای است برای جلب توجه آن زیبا جلال و ابداع آن جمال در این خراب آباد.  
همانگونه که عاشق در این اندیشه که چگونه به نازی خود را قدمی به معشوق نزدیکتر کند. اگر عشق  
می‌آموزد که جز یک معشوق ازلی و ابدی نیست، هنر نیز او را می‌آموزد که در قبیله هستی جز یک جمال  
که جلوه جمیل احدی است، هیچ یافت نمی‌گردد. بنابراین:  
می‌برد عشق از زمین تا آسمان ارواح را زین دلیل آسمانی هر که غافل ماند، ماند<sup>(۳)</sup>  
عشق از عدم آباد و عالم علوی است و منشأ آن معشوق مطلق در مقام مصرع "بسیط الحقیقه" و  
هنر نیز جنسش زلامکان است و ملهم آن مصرع "کلّ الاشیاء". اینک با عشق و هنر کمال حاصل است که  
"بسیط الحقیقه کلّ الاشیاء و لیس بشی منها"<sup>(۴)</sup> پس عشق مینا و مقتدای هنر است و هنر، آموزش عشق  
بازی و نرد خودی باختن، عشق جان هنر است و هنر چشم عشق. که عاشق شدن سخت است اما  
چگونه عشق ورزیدن و وصال معشوق طلبیدن، سختتر. کجاست چشمی که بی جان تواند دید و جانی  
که بی چشم سلوک نماید!

عشق می‌بازم و امید که این فن شریف چون هنرهای دگر موجب حرمان نشود  
(حافظ)

عشق بدون هنر که از عدم آباد است و بی رنگی، سراز بیراهه در می‌آورد و ننگ به دامان می‌ریزد:

۱-صائب. کلیات صائب. ص ۶۸۶

۲-همان. ص ۸۱۹

۳-همان. ص ۸۶۱

۴-قاعد؛ فلسفی. خداوند که بسیط مطلق و حقیقت بسیط است همه اشیاء است و در عین حال هیچیک از آنها نیست.

عشق‌هایی کز پی رنگی بود عشق نبود عاقبت ننگی بود.<sup>(۱)</sup>  
هنر نیز بدون عشق جز تمرین رنگ و صوت و کلمه نیست، در حالی که خانهٔ هنر در شرف ویرانی  
است.

خواجه در بند نقش ایوان است خانه از پای بست ویران است.<sup>(۲)</sup>

\*\*\*

نوشتار حاضر تحقیق و تألیفی است پیرامون فلسفهٔ هنر از دیدگاه معارف اسلامی. کار تحقیق و  
تألیف آن مدت یکسال به طول انجامیده است با اینهمه اذعان می‌کنیم که هنوز قطره‌ای از دریای بیکران  
هنر را نچشیده‌ایم و بدان دست نیافته‌ایم. چرا که هنر مائدهٔ آسمانی است و انسانی چون حقیر به قدر  
طاقت و توان خود بدان دست یازیده است و نصیب، مجموعه‌ای است که بدین نیت حاصل شده و در  
پیشگاه شما حاضر است. شاید اگر از ابتدا می‌دانستیم که قدم در چه راه طولانی و پر مشقتی قرار است  
بگذاریم، وضع به گونه‌ای دیگری می‌بود. ولی به هر حال تقدیر چنین بود که با وجود مگس بودن سری  
به عرصهٔ سیمرخ بز نیم و جولانی در آن بنمائیم. اما عاجزانه و از سر خلوص نیت از خداوند منان که  
لطفش همیشه شامل حال بندگانش بوده و هست، می‌خواهیم که اگر زحمت شما داشته‌ایم، عرض خود  
را نبرده باشیم. ان شاء الله.

این تألیف علیرغم دشواری مطلب و بی بضاعتی مؤلف دارای ویژگی‌ها و خصوصیات به شرح  
ذیل است:

## الف: ویژگی‌ها و مزایای این رساله

۱- بدیع بودن مطلب در کشور ما.

نخستین بار بحث زیبایی‌شناسی در یونان و توسط فیثاغورث، افلاطون و ارسطو مطرح شده  
است. بعدها در غرب مباحث مفصل‌تری پیرامون هنر و زیبایی‌شناسی صورت گرفت و حتی زیبایی‌شناسی به  
عنوان علمی مستقل شناخته شد و تحقیقات عمیق و زیادی پیرامون هنر و زیبایی‌شناسی انجام گرفت و

۱- مولوی. جلال‌الدین محمد، مثنوی معنوی. نیکلسون. جلد اول دفتر اول. ص ۱۵

۲- سعدی. کلیات سعدی. محمد علی فروغی ص ۱۴۸

کتابهایی پیرامون آنها و تحت عناوین فلسفه هنر و زیبایی شناسی به رشته تحریر در آمد. به علاوه تقریباً اکثر فلاسفه غربی پیرامون این دو مقوله نظر و رأی ابراز داشته‌اند.

در کشور ما، اگر چه ریشه های مطلب در کتب فلسفی یافت می شود ولی به صورت مدون و مجزا، به هر دلیل، تا کنون بحثی پیرامون فلسفه هنر به صورت منسجم صورت نگرفته و به رشته تحریر در نیامده است. خوشبختانه مقالات و مطالبی در سالهای اخیر پیرامون هنر منتشر شده است. لیکن هیچکدام نمی توانند به عنوان بحث «فلسفه هنر» محسوب شوند.

## ۲- نیازمندی جدی عصر ما به بحث فلسفه هنر

این مطلب زمانی به رشته تحریر در می آید که بدون شک یکی از ضروری ترین نیازهای جامعه انقلابی ما است. چرا که به خاطر تهاجم فرهنگی غرب، رفته رفته هنر از معنای اصیل و حقیقی آن تا اندازه ای دور افتاده است و باید به تحلیل و تبیین فلسفه هنر پرداخته شود تا بدین وسیله سدی در برابر تهاجم فرهنگی غرب که یکی از مجاری مهم و کار ساز آن هنر است - و شاید مهمترین آن مجاری - ایجاد گردد.

## ۳- بررسی فلسفه هنر از دیدگاه معارف اسلامی.

از ویژگیهای بارز این مجموعه، این است که فلسفه هنر با توجه به دیدگاه دین مبین اسلام در این مورد بررسی شده است. چرا که بررسی فلسفه هنر بدون توجه به یک منبع اصیل و متکی به وحی، در توان عقل جزوی آدمی نیست و نتیجه مطلوبی حاصل نخواهد شد.

## ۴- بررسی فلسفه هنر با در نظر گرفتن شناخت انسان.

در بررسی هر پدیده ای مهمترین مسئله و اصلی ترین نقش، مسئله انسان و شناخت اوست. تمامی تعاریف و قوانین اعتباری که توسط بشر صورت می گیرد، اگر بدون توجه به نقش و ارزش و جایگاه خود او در هستی باشد، نه تنها نقشی در به سعادت رساندن انسانها، نخواهد داشت، بلکه خود مانع و رادع و حجابی برای او در این مورد خواهند بود.

در فلسفه هنر غربی معمولاً، هنر بدون توجه به انسان مورد بررسی قرار می گیرد و اگر هم توجهی به او بشود نه از جنبه معنوی و حقیقی است. در این رساله سعی شده است هر بحثی پیرامون هنر، در ارتباط با انسان و صفات و خصوصیات و جایگاه او در هستی باشد. و هر مطلبی که بیان می شود متکی به یکی از اصول مسلم شخصیت و موقعیت و کرامت ذاتی انسان باشد.

ب - اجمال مطالب مطرح شده.

## فصل اول: هنر چیست؟

در این فصل مسائل و مبانی اساسی هنر از قبیل معنی هنر، منشأ هنر، ماهیت هنر، هدف هنر، هنر حقیقی و غیر حقیقی و زیبایی در هنر، به طور مقدماتی بررسی شده است. در این بررسی نظریات مختلف و آراء گوناگون شرقی و غربی، چه آنها که مورد قبول و پذیرش ما بر اساس جهان بینی اسلامی هستند و چه آنها که مورد قبول نمی باشند، آمده است. اما همانگونه که در نتیجه گیری این فصل بیان داشته ایم، بررسی فلسفه هنر منوط و موقوف بر دو مطلب اساسی یعنی شناخت انسان و زیبایی شناسی است. به این دلیل سعی شده است از نقد و بررسی کامل مطالب نقل شده پرهیز شود. کاری که در فصول بعدی بریژه فصل چهارم و پنجم به آن پرداخته ایم. در واقع فصل اول آشنائی مقدماتی با نظریات و آراء گوناگون و نیز مطالب پیرامون هنر است.

## فصل دوم: شناخت انسان

از آنجا که هر مطلبی که مورد بررسی قرار می گیرد مربوط به حیات فردی و اجتماعی انسان است، بررسی هنر نیز از این قاعده مستثنی نیست. بنابراین تا زمانی که شخصیت و جایگاه انسان در نظام هستی شناخته نشود هر اظهار نظری پیرامون ماهیت و هدف هنر، ابتر و ناقص خواهد بود. لذا سعی کرده ایم در این فصل تصویر روشنی از انسان ارائه دهیم، تا مطالبی که پیرامون هنر بیان می شود مستند بر حیات معقول و شخصیت و ویژگیهای ذاتی انسان باشد.

در این فصل با توجه به آیات و روایات و مطالب فلاسفه اسلامی مراتب موجودات جهان، مراتب وجودی انسان، عوالم و مراتب وجودی جهان و ارتباط آنها با مراتب وجودی انسان مورد تحقیق قرار گرفته است. و به تفصیل پیرامون خیال متصل و مقید و خیال منفصل و اتحاد آنها در هنر بحث شده است.

## فصل سوم: زیبایی شناسی

یکی از اساسی ترین مسائل هنر، زیبایی است. در این فصل رابطه زیبایی با کیفیات نفسانی،

زیبائیهای محسوس و معقول، فطری بودن گرایش به زیبایی در عرصه گرایشها، نسبت زیبایی با خیر و کمال با توجه با آیات و روایات مورد بررسی قرار گرفته است و بالاترین و اصیلترین زیبایی یعنی جمال مطلق حق سبحانه و تعالی با تکیه بر احادیث و ادعیه معرفی گردیده است.

### فصل چهارم: حقیقت در ساحت هنر

در این فصل پس از بیان مطالبی پیرامون شناخت انسان و زیبایی شناسی که در فصول دوم و سوم صورت گرفته است، به بررسی حقیقت هنر از زوایای مختلف پرداخته ایم. از جمله علل اربعه هنر یعنی علت مادی (تخیل) فاعلی (الهام و القاء)، صوری (زیبائی) و غائی (کمال انسان در حیات معقول)، زبان هنر یعنی زبان اشارت و تفاوت آن با زبان عبارت، ابداع در هنر و تفاوت آن با محاکات، نسبت بین هنر و عرفان و فلسفه، ارتباط دین و هنر و نسبت حاکم بر آنها و همچنین تفاوت هنر قدسی و غیر قدسی.

### فصل پنجم: بررسی صور هنری

این فصل اختصاص دارد به بررسی هفت هنر و بیان مبانی فلسفی آنها به تکنیک، یعنی شعر و قصه، موسیقی، خوشنویسی، معماری، مجسمه سازی، نقاشی، تئاتر و سینما و در انتها مطلبی تحت عنوان سخن آخر که گریزی است به وظیفه اصلی هنر در عصر حاضر در مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن. در بررسی هر کدام از این هنرها، بدون شک دشواریهایی وجود داشته و دارد که ما نیز از مواجهه با آنها برکنار نبودیم. گذشته از حیظه وسیع هر کدام و برخورد با نظریات متفاوت و دیدگاههای مختلف در مورد هر هنر، اصلی ترین مشکل، فرهنگ و باور نادرست بسیاری از مردم است که مقابله با این فرهنگ و باور به آسانی و سادگی مسیر نمی باشد. با وصف این در بعضی موارد ناگزیر به این مقابله بوده ایم و بیان حقیقت را بر اعراض و اعتراض دیگران ترجیح داده ایم. هر چند این مقابله نه اولین بار و توسط ما، که در موارد دیگری توسط اساتیدی گرانقدر صورت گرفته است و ما نیز به نقل آنها پرداخته ایم. در خاتمه یک بار دیگر اذعان و اعلام می کنیم که هیچ ادعائی در کامل بودن این مجموعه نداریم و بدون شک علاوه بر اشکال جامع نبودن ممکن است ایراد محتوایی نیز داشته باشد. والله اعلم بالصواب.

احمد رضا بسیج

زمستان - ۷۵



# فصل اول

هنر چیست؟ (بررسی مقدماتی)

## ۱- معنی هنر

در ره عشق نشد کس به یقین محرم راز هرکسی بر حسب فهم گمانی دارد  
(حافظ)

نمی‌گوئیم تعریف هنر. چه علیرغم تعاریف مختلفی که تا کنون در مورد هنر بیان شده است، به دلیل اینکه هنر یک کیفیت معنوی است، مبرای از جنس و فصل منطقی است؛ و نه تنها تعریف ناپذیر، بلکه بی‌نیاز از تعریف می‌باشد.

این سخن تولستوی تا اندازه‌ای درست است که: «به رغم خروارها کتابی که درباره هنر نوشته شده، تا کنون هیچ تعریف دقیقی از هنر در دست نیست. سببش این است که در شالوده مفهوم هنر، مفهوم زیبایی را قرار داده‌اند.»<sup>(۱)</sup>

اما درست‌ترینست که همانگونه که بیان شد خود هنر تعریف بردار نیست. اما می‌توان خواص و آثار آن را تعریف کرد. همانگونه که مثلاً غم و شادی، روح و مانند آنها قابل تعریف نیستند. و هر چه در مورد هنر بیان می‌شود معنای هنر است؛ که البته با تعریف فرق دارد.

در معنی هنر نیز اختلاف عقیده و رای زیاد است و اگرچه می‌بایست حرف آخر را در آخر زد، اما می‌خواهیم سخن آخر را در باب هنر در ابتدا بیان کنیم. تا هر که بیرونی بود از مجلس ما بگریزد. چرا که آنکس که بی طرف است در پی مطلب می‌ماند، تا دلیل و منطق این سخن را و یا درستی و نادرستی این فرض را

۱- تولستوی. لئون. هنر چیست؟. ترجمه کاوه دهگان. مره‌سه انتشارات امیرکبیر. چاپ هفتم تهران ۱۳۶۴ ص ۵۲.

بداند. و آنکس که در باطن پذیرای این سخن است، اما نه با بسط و تفصیل، در جهت دانستن بهتر  
و بیشتر، مخاطب باقی می ماند. اما آنکه نه چنین نظر دارد و نه آنگونه، چه حاصلش از این چند قطره؟ که او  
از آب دریا دامن خیس نکرده است!

این نکته محقق است که آنچه امروز به عنوان هنر می شناسیم، در دوره ای نه چندان دور به این معنی  
نبوده است. و یا حداقل این پیچیدگی را نداشته است. هنر در گذشته به معنی فضل و کمال و هنرمند به  
معنی انسان با فضیلت بود. و معنی شریف آن انسان کامل است. در لغت نامه دهخدا در معنی هنر آمده  
است: «علم و معرفت و دانش و فضل و فضیلت و کمال.»<sup>(۱)</sup>

همچنین در برهان قاطع در معنی هنر چنین آمده است:

«هنر- به ضم اول و فتح دوم، اوستا hunara، عظمت، استعداد، قابلیت- هندی باستان sunara  
[انسان فاضل] سانسکریت sundara زیبا، فشنگ. پهلوی hunar- ارمنی hnar- افغانی و بلوچی  
henar- کردی huner (فن و معرفت) صنعت، معرفت امری توأم با ظرافت و ریزه کاری. هنرهای  
زیبا- صنایع مستظرفه»<sup>(۲)</sup>

حافظ می گوید:

تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافری است راهرو گرسد هنر دارد توکل بایدش

\*\*\*\*\*

گر در سرت هوای وصال است حافظا باید که خاک درگه اهل هنر شوی

\*\*\*\*\*

فلاندران حقیقت به نیم جو نخرند قبا ی اطللس آن کس که از هنر عاری است  
اما چون یکی از ویژگیهای عصر امروز و متأخر انسان، پیچیده تر کردن امور است، همین معنای صریح  
در قالب مطالبی ثقیل و محتاج توضیح و تدقیق بیان شده است، که اگر آن را بشکافی همان معنای  
نخستین را باز می یابی.

به گمان ما، هنر تجلی روح تصفیه شده انسان در عین است، اگر تمدن و صنعت، زاده دریافت و کشف

۱- لغت نامه دهخدا، جلد ۱۴، ص ۲۰۸۴۱

۲- برهان قاطع، محمدحسین بن خلف تبریزی متخلص به برهان تصحیح و تعلیق دکتر محمد معین امیرکبیر، جلد چهارم ص ۲۳۸۱ پاورقی.

علم است، وهستی شناسی و جهان علمی شدن زاده ادراک و فهم فلسفه، هنر زاده کشف و شهود و عرفان است. هنر، محصول اتصال عالم شهادت به عالم غیب در ساحت خیال است. و بنابراین هنرمند افزار و واسطه این اتصال و ناگزیر آنگونه که از اشعار مذکور حافظ بر می آید، اگر هنر تقوا و دانش است، پس هنرمند نیز متقی و عالم و قطب و ولی خواهد بود.

از جنبه تاریخی در گذشته همه ملتها هنر دارای این معنی و مفهوم است. و البته هر چه به پیش می آیم، رنگ و جلای معنوی و متعالی خود را به جلوه های حسی و متنازل می سپارد. اگر انسان همیشه مسافر بین کفر و ایمان، خدا جوئی و خدا انگاری خود، بوده است؛ هنر نیز که زائیده تخیل آدمی است، همین مسیر را پیموده و می پیماید.

در تاریخ هنر با چهار دوره هنری مواجه هستیم. دوره ماقبل یونان که هنر اساطیری نامیده می شود، دوره هنر یونانی، دوره هنر دینی و دوره هنر جدید. گرچه دقیقاً نمی توان این چهار دوره را زمانمند نمود. در آنچه آن را دوره ماقبل یونانی می نامیم مدار تفکر بر اساس تثیسیم یعنی خدامداری است. در دوره هنر یونانی مدار تفکر بر اساس «کاسموسانتریسم»<sup>(۱)</sup> و «کاسمولوژیسم»<sup>(۲)</sup> یعنی مذهب اصالت جهان و جهان شناسی است. و تفکر دوره هنر دینی مبتنی بر «تئولوژیسم»<sup>(۳)</sup> و «تئوسانتریسم»<sup>(۴)</sup> یعنی مذهب اصالت خدا و خدا شناسی. و در دوره جدید مدار اندیشه بر «آنتروپوسانتریسم»<sup>(۵)</sup> و «آنتروپولوژیسم»<sup>(۶)</sup> یعنی مذهب اصالت انسان و انسان شناسی است.

دو مصاف با تغییرات تاریخی معنی هنر، این بُعد و قرب به خدا روشن است. تاریخ بشریت با پیامبر و دین آغاز شده است. یعنی با کمال و کمال جوئی. پیامبران خود بزرگترین هنرمندان تاریخ هستند. چه آنها هدف حقیقی هنر را که همان رهیافت انسان به قرب حق است، دنبال می کردند. اما از همان وقت که قابیل، هابیل را در مقابل خدای نفس خود قربانی کرد، هنر نیز گاه چون قابیل، انسانیت و خدا گرائی را به مسلخ زیبایی ظاهری و لذت جسی برد. و اینگونه شد که دو نوع هنر، دو معنی از هنر، دو نوع برخورد با هنر و دو بینش و گرایش نسبت به هنر پدید آمد.

۱- Cosmologism  
۲- Thocontrism  
۳- Anthropolgism

۱- Cosmocentrism  
۲- Theologism  
۳- Anthropocentrisme